

شرح و تحقیق

خطبه های

«بی الف» و «بی نقطه»

امیر المؤمنین (ع)

(بلیغ ترین مواعظ و معارف در دو شاهکار علوی)

محمد احسانی فر لنگرودی

سرشناسه:

عنوان قرارداد:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

احسانی فر لنگرودی، محمد، ۱۳۴۱.

خطبه موفقه، فارسی - عربی. شرح

خطبه بی نقطه، فارسی - عربی. شرح

شرح و تحقیق خطبه های بی هی الف و بی نقطه امیر المؤمنین (ع)
بلیغ ترین مواضع و معارف در دوشاهکار علوی / محمد احسانی فر لنگرودی
تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۰.

۲۲۳ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۲۳۹-۰۳۰-۱-۱: ریان

فیبا

عنوان دیگر: دو شاهکار علوی

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -

۴۰ ق. نهج البلاغه. خطبه موفقه - نقد و تفسیر

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -

۴۰ ق. خطبه بی نقطه - نقد و تفسیر

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -

۴۰ ق. خطبه بی نقطه - شرح

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -

۴۰ ق. نهج البلاغه. خطبه موفقه - شرح

۱۳۹۰ الف ۳۰۴۲۲ م ۸ / ۵ / ۳۹ BP

۲۹۷ / ۹۵۱۵

۲۴۲۱۲۴۴

شرح و تحقیق خطبه های «بی الف» و «بی نقطه»

امیر المؤمنین (ع)

مؤلف: محمد احسانی فر لنگرودی

ناشر: مبین اندیشه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

امور فنی: حسین تقدسی نیا

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپ: ظهور

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

ناشر همکار: آوای منجی - الطیار - احسن الحديث

شابک: ISBN: 978-600-239-030-1

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

دفتر تهران: خیابان قزوین - خیابان سبحانی خیابان برادران فلاح پلاک ۲۱۹

صندوق پستی ۵۹۱ - ۱۳۴۴۵ انتشارات مبین اندیشه

همراه: ۰۹۱۲۳۹۰۸۴۷۵

دفتر قم: خیابان معلم - ۱۰ متری معلم - کوچه ۵ (شهید فلسفی) پلاک ۴

همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶ - تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۸۳۷۰

وب سایت: www-mobine andishe. Com

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۷۴۲۹۰۸۴۷۵



فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
۱. علی بن ابی‌طالب از پندارها	۱۴
۲. زمینه ایراد خطبه‌ها	۱۸
۳. بحثی کوتاه در مفهوم فصاحت و بلاغت	۱۹
۴. نگاهی به جایگاه بلاغی خطبه‌ها	۲۰
۵. شیوه ما	۲۴

بخش اول : متن و ترجمه خطبه‌ها

فصل اول : متن و ترجمه خطبه «بی الف»	۲۹
متن خطبه	۳۱
فصل دوم : متن و ترجمه‌ی «خطبه‌ی بی نقطه»	۴۳
متن خطبه	۴۵

بخش دوم : شرح خطبه‌ی بی الف

محتوای اجمالی خطبه	۵۳
--------------------	----

- ۵۵ مقطع اول: تحمید و توحید
- ۵۵ فراز ۱: ستایش و سپاس
- ۶۰ ۲: ستایشی توأم با تضرع و تذلل
- ۶۲ گناهان منزلی و برترین عصمت!
- ۶۴ (ادامه شرح فراز ۲۰):
- ۶۵ ۳: استعانت و توکل
- ۶۶ ۴: گواهی به یگانگی
- ۶۸ ۵: نفی شریک در آفرینش و اقتدار
- ۶۸ ۶: پیراستگی از یاور و همانند
- ۶۹ ۷: علم، قدرت و عدالت
- ۷۱ ۸: ازلیت، ابدیت، نفی شباهت به آفریدگان
- ۷۳ ۹: عزیز و مقتدر، برتر از پندار آفریدگان
- ۷۷ ۱۰: مجموعه‌ای دیگر از اسماء حسنی
- ۷۸ ۱۱: عجز و اصفان، در ماندگی عارفان و ...
- ۸۱ ۱۲: مجموعه‌ای دیگر از صفات فعل پروردگار
- ۸۳ مقطع دوم: بعثت، آرمان‌ها و فضایل پیامبر ﷺ
- ۸۳ ۱۳: بندگی پیامبر، رسالت و اهداف بعثت
- ۸۵ ۱۴: آثار بعثت و فضایل پیامبر خاتم ﷺ
- ۹۲ مقطع سوم: توصیه به تقوا
- ۹۲ ۱۵: پروای الهی، پیروی از سنت پیامبر ﷺ

- ۱۶: تقوایی دگرگون کننده و نجات بخش ۹۳
- ۱۷: دعا، توبه و دیگر صفات پارسایان ۹۵
- مقطع چهارم: تجسم مراحل سفر آخرت ۹۹
- ۱۸: فرصت پیش از محرومیت و کوچ ۱۰۰
- ۱۹: پیری، فرتوتی و تباهی عقل ۱۰۱
- ۲۰: بستر بیماری و احتضار ۱۰۲
- ۲۱: عوارض احتضار و فروپاشی سامان زندگی ۱۰۳
- ۲۲: امور پیش از دفن ۱۰۶
- ۲۳: نماز، تشییع جازه و ورود به قبر ۱۰۹
- ۲۴: وحشت سرای قبر و اوصاف آن ۱۱۰
- ۲۵: بازگشت و نزدیکیان، دیار فراموش شده ۱۱۲
- ۲۶: هجوم کرم ها، پاشیدگی جسد ۱۱۴
- ۲۷: نفخ صور و رستاخیز عمومی ۱۱۵
- ۲۸: محکمه ای هولناک، دادگری مقتدر و آگاه ۱۱۷
- ۲۹: گرفتاری و بیچارگی، رسوایی با نامه اعمال ۱۱۹
- ۳۰: شهادت اعضا به زیان صاحب ۱۲۱
- ۳۱: چگونگی افکندن در دوزخ و گونه های عذاب ۱۲۱
- ۳۲: فرشتگان بزرگوار و گونه های دیگری از عذاب ۱۲۴
- ۳۳: تنها پناهگاه و برآورنده نیاز ۱۲۶
- ۳۴: چه خوش اند رستگاران! ۱۲۷
- ۳۵: چه نعیم جاودانی، چه سرور مستدامی! ۱۲۸

- ۱۳۳ ۳۶: باز هم از نوشیدنی های بهشت
- ۱۳۶ مقطع پنجم: حسن ختام، تضرع و استغفار
- ۱۳۶ ۳۷: جمع بندی پندها
- ۱۳۷ ۳۸: قرآن کریم مستند خطبه و بهترین موعظه
- ۱۳۹ ۳۹: کوتاه و ژرف در باره قرآن
- ۱۴۲ ۴۰: استعاذه، تضرع و استغفار
- ۱۴۵ مصادِر خطبه
- ۱۴۵ مصادری که تمام خطبه را آوردند
- ۱۴۷ مصادِر و کتب واسطه که تمام آن را آوردند
- ۱۴۸ برخی مصادِر ناقل قسمتی از خطبه
- ۱۴۹ چکیده نظر در اعتبار خطبه

بخش سوم: شرح قطبیه بی نقطه

- ۱۵۳ محتوای اجمالی خطبه
- ۱۵۵ مقطع اول: تحمید و توحید
- ۱۵۵ فراز ۱: همه ستایش ها از آن اوست
- ۱۵۷ ۲: یگانگی، یکتایی و صمدیت
- ۱۵۹ ۳: ربوبیت حق و مجموعه ای دیگر از صفات فعل
- ۱۶۴ ۴: برگ هایی دیگر از دفتر توحید
- ۱۶۷ ۵: نمایی از قرآن، پیشوایان و مکتب وحی

۱۷۱	مقطع دوم: رسالت و فضایل پیامبر ﷺ
۱۷۱	۶: بار رسالت و صفاتی از حضرت ﷺ
۱۷۲	۷: برکات رسالت و برترین برگزیده ..
۱۷۷	۸: صلواتی بلیغ بر او و خاندانش
۱۸۱	۹: اهداف رسالت
۱۸۳	مقطع سوم: حکیمانه‌ترین مواعظ
۱۸۳	۱۰: اساسی‌ترین پندهای اخلاقی و سیاسی اجتماعی
۱۸۸	۱۱: ناپایداری نعمت‌ها و مکنات‌های دنیوی
۱۹۱	مقطع چهارم: ستایش و نیایش
۱۹۱	۱۲: حمد و سپاس
۱۹۵	۱۳: دعا برای حفظ و سلامت مخاطبان
۱۹۷	۱۴: درخواست لوازم سعادت و سلامت پایدار
۲۰۱	پاسخ به دو پرسش
۲۰۸	مصادر خطبه
۲۰۸	مصادر تمام خطبه:
۲۰۸	مصادر بخش آغازین خطبه
۲۰۹	خطبه‌ای دیگر موسوم به «بی نقطه»
۲۱۰	توضیح و تحقیق
۲۱۳	متن روایت دوم از خطبه «بی نقطه»
۲۱۹	فهرست منابع

مقدمه

خطبه‌ها و نامه‌های شیوا و رسای امام علی (ع) - پس از قرآن و کلام رسول خدا (ص) به عنوان عالی‌ترین نمونه‌های فصاحت و بلاغت - پیوسته بر تارک ادب و سخنوری می‌درخشند.

برخی از این خطبه‌ها به دلایلی که بر متخصصان ادب و حدیث پوشیده نیست - جایگاه ویژه‌ای دارند.

از این میان، خطبه‌های «بی الف» و «بی نقطه» آن حضرت (ع) به عنوان «دو شاهکار ادبی» و «دو تحفه قدسی» - به خاطر ویژگی‌های منحصر به فرد خود - از اشتهار و محبوبیتی مخصوص برخوردارند.

لیکن با این همه نه تنها شرح و پژوهش شایسته‌ای درباره آنها به عمل نیامده، بلکه حتی ترجمه روان و دقیقی از آن هم چندان در دسترس خیل مشتاقان نیست.

خلاً مزبور و تنوع مخاطبان - از دانشوران و دانش پژوهان، مدرسان و مبلغان و یا مراکز علمی آموزشی - و نیز تفاوت نوع و سطح نیازشان این قلم را بر آن داشت تا با توجه به جهات ذیل در پی برآوردن انتظارات پیش‌بینی شده

برآید:

۱. ارائه متن با اعراب صحیح و تخریج مصادر.
 ۲. ترجمه دقیق و روان و مستند به لفظ، که مناسب‌ترین سبک در ترجمه آموزشی است.
 ۳. شرح نسبتاً موجز و در عین حال بیان‌گر مراد و روشن‌گر موارد ابهام و سؤال‌انگیز، برای توده اهل فرهنگ، در متن کتاب.
 ۴. اختصاص «پاورقی» به تبیین دقایق علمی از قبیل نکات کلامی و ادبی، یادآوری و تطبیق جهات بلاغی مانند: لطایف معانی، فنون بیان و آرایه‌های ادبی (و وجه مربوط به بدیع)، به منظور رعایت حال مخاطبان متنوع و ناهم سطح.
 ۵. تبیین جایگاه بلاغی دو خطبه در مقدمه.
- بدین امید که هم دانش پژوهان و توده اهل فرهنگ از مباحث لطیف توحیدی و مواعظ تکان‌دهنده اخلاقی آنها بهره گیرند و هم دانش‌وران و مدرّسان و مبلغان و مراکز تعلیم و تربیت - که در پی شرح و تحقیقی متقن‌اند - ضمن بهره‌مندی از ناب طهور گفتار امام علیه السلام، پیام‌های تکان‌دهنده را به دیگران منتقل سازند.
- لیکن پیش از ورود به کار ترجمه و شرح به بیان نکاتی چند می‌پردازیم:

۱. علی علیه السلام برتر از پندارها

سخن گفتن از امام علی علیه السلام «سهل» است و «ممتنع».

سهل است، از آن رو که هر فضیلتی که در تصوّر و اندیشه آید، آن دومین

نمونه انسان برتر، به کامل‌ترین حدّش از آن بهره‌مند است.

و ممتنع است، از آن جهت که هر چه در پندار ما آید و بر صفحه خیال نشیند، امام علیه السلام برتر از آن است.^۱

زیرا خیس اندیشه ما کجا تواند که به کنه شخصیت و ژرفای حقیقت کمالی چون او پی برد؟ مرغک پندار ما را کجا رسد که به بلندای شخصیت آن قلّه نایل آید؟^۲ مگر نه این است که صُور و هم و خیال ما محدود به حدود پندار و متناسب با قواره اندیشه و شخصیت خود ماست؟ بنا بر این حقایق موجود در فراسوی افق تصوّر و حدود معرفت ما، از چشم انداز ادراک ما - و بلکه از افق پندار ما بیرون است.

آن برگزیده‌ترین نخبه انسانیّت برتر از آن است که علم ما بدان احاطه یابد و اقیانوس فضایلش فراتر از آن است که دانش ما به کرانه‌هایش رسد.^۳

۱. چنان که در احادیث - از امام صادق علیه السلام «نحن أصل كل خير ومن فروغنا كل بر» (ما اصل و منشأ هر خبری هستیم و از شاخسار ماست هر امر نیکویی) الکافی ۸: ۲۴۲/۲۴۱.

- امام هادی در زیارت تعلیمی جامعه کبیره: «السلام علی أئمة الهدی و... والمثل الأعلى و الدعوة الحسنى و حجج الله علی أهل الدنيا و الآخرة و الأولى و...» (سلام بر پیشوایان هدایت و... و برترین نمونه و نیکوترین چیزی که بدان دعوت می‌شود و حجت‌های الهی بر اهل دنیا و آخرت و اهل عالم نخستین): تهذیب الأحکام ۶: ۹۵/ب ۴۶/ح ۱.

۲. چنان که از امام علیه السلام در نهج البلاغه آمده است: «ينحدر عني السيل و لا يرقى إلي الطير» (از کوه‌سار وجودم سیلاب (دانش و فضل) سرازیر می‌گردد، و پرندۀ پنداری به (بلندای قلّه) من نمی‌رسد): نهج البلاغه: ۴۸/خطبة ۳ معروف به «شقشقیه».

۳. در زمینه برتری آن حضرت از حدود اندیشه ما به ذکر چند حدیث بسنده می‌کنیم:
الف - یونس بن رباط قال دخلت أنا و كامل التمار علی أبي عبد الله فقال له كامل جعلت

→ فداک حدیث رواه فلان فقال: «اذکر»؛ فقال حدّثنی أنّ النبی ص حدّث علیّ ع بألف باب يوم تُوفّي رسول الله ص کلّ باب یفتح ألف باب فذلک ألف ألف باب؟ فقال: «لقد کان ذلک». قلت: جعلت فداک فظہر ذلک لشیعتکم و موالیکم؟ فقال: «یا کامل باب أو بابان»، فقلت له: جعلت فداک فما یروى من فضلکم من ألف ألف باب إلا باب أو بابان؟ قال: فقال: «و ما عسّیتم أن ترووا من فضلنا ما تروون من فضلنا إلا ألفاً غیر معطوفة»؛ الکافی ۱: ۲۹۷.

(یونس بن رباط می گوید: من و کامل تمّار خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم، کامل به او عرض نمود: فدایت گردم؛ فلانی حدیثی روایت می نماید؟ فرمود: آن را ذکر کن؛ گفت برایم نقل کرد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز وفاتش برای علی (علیه السلام) هزار در (از علم) بیان نمود، که هر دری هزار در بر او گشود؛ و این (مجموعه) هزار هزار باب می شود؟! فرمود: همین طور بود. گفتم: فدایت گردم؛ پس آن چه در فضیلت شما نقل می گردد، از همین هزار هزار باب است، مگر یکی دو باب که از مردم پنهان می ماند؟ فرمود: از همه آن چه نقل که در فضل ما نقل می کنید - بعید است که بتوانید از فضیلت ما جز (به اندازه نیم حرف یعنی) یک الف برگشته (و ناتمام نسبت به کلّ حروف).

ب - کامل التمار قال كنت عند أبي عبد الله ع ذات يوم فقال لي يا كامل اجعل لنا ربا نؤوب إليه و قولوا فينا ما شئتم قال قلت نجعل لكم ربا نؤوبون إليه و نقول فيكم ما شئنا؟ قال فاستوی جالساً ثم قال: و عسی أن نقول ما خرج إليکم من علمنا إلا ألفاً غیر معطوفة: بحار الأنوار ۲۵: ۲۸۳ / ۳۰ به نقل از «بصائر الدرجات».

(کامل تمّار می گوید: روزی خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم، فرمود: ای کامل؛ (در اعتقادات) برای ما پروردگاری - که ما به سوی او باز می گردیم - قابل باش؛ و دیگر هر چه خواستید، بگوئید؛ گفت: گفتم: برایتان پروردگاری که به سوی شما باز می گردید، قابل باشیم و دیگر هر چه خواستیم، بگوئیم؟! می گوید: پس امام (علیه السلام) درست نشست، سپس فرمود: بعید است که از آن چه از علم ما که به شما رسید، گفته باشیم مگر

اوج اندیشه بشر در تصوّر استعداد کمال یابی انسان و توان‌مندی‌های ظاهری و باطنی‌اش بدین جا منتهی می‌گردد، که اسطوره‌ها و قهرمانان تخیلی یا نیمه تخیلی‌ای بسازد و به ستایشش بپردازد؛ اسطوره‌هایی در حماسه، عشق، جوان‌مردی و یا در علم و قدرت «ما فوق»، آن هم در یک یا چند بُعد خاص. اما این اساطیر تک بعدی در همان بُعد افسانه‌ای خود نیز، در برابر الگوهای کامل انسانیت که از سوی نهایی‌ترین مکتب وحی ارائه شده، با واقعیت‌های انکارناپذیرشان - در قیاس نمی‌آیند.

چه این که این نمادهای اوج انسانیت در تمامی زمینه‌های استعدادی انسان، ظرفیت اسمی خود را به کمال رسانده، به همه قوای خویش فعلیت بخشیدند.

→ (به اندازه نیم حرف یعنی) یک الف برگشته (و نا تمام نسبت به کل حروف).

توضیح: حرف الف در خط کوفی به صورت «ا» بود که نمایی از آن به صورت خط عمودی متصل به خطی افقی بود و مراد از «الف غیر معطوفه» قسمتی از حرف الف است که متشکل از دو خط است.

سه - امام علی علیه السلام - در حدیث اربعمائه - : إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِينَا قَوْلُوا إِنَّا عِيدٌ مَرْبُوبُونَ قَوْلُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ: بحار الأنوار ۱۰: ۹۲.

: (از غلو در باره ما (اهل بیت) بر حذر باشید؛ بگوئید که ما بندگان (مقهور و) تحت ربوبیت (خداییم، آن گاه) در باره فضل ما هر چه خواستید، بگوئید).

چهار - امام رضا علیه السلام: نحن الكلمات التي لا تدرك فضائلنا ولا تستقصى: بحار الأنوار ۲۴: ۱۷۴ به نقل از «المناقب» (ابن شهر آشوب) و تحف العقول و الاحتجاج.

: (مایم آن کلمات (پایان‌ناپذیر الهی) که عمق فضایل ما نه دست یافتنی است و نه قابل احاطه و شمارش).

شاهد درستی این سخن توجه به ابعاد گوناگون شخصیتی امیرالمؤمنین علیه السلام است:

از امواج پر تلاطم علمی حضرتش گرفته تا ظرفیت و تدبیر سیاسی و زهد و پارسایی و وارستگی از عروس هزار داماد دنیا؛ از شجاعت و توان جسمی و صلابت قلبی او تا عواطف گرم و نازک انسانی‌اش، از قدرت سخنوری و خطابه‌های آتشین وی تا جوان‌مردی و محروم‌نوازش، از ... تا ...
 زیرا در هر یک از این ابعاد، متخصصان سر رشته‌دار در آن رشته از تصوّر میزان برتری آنان انکشت شگفتی بر دندان می‌گزند.

و خطبه‌های «بی الف» و «بی نقطه» با همه لطافت و بلاغشان تنها نمونه‌هایی از دانش الهی و قدرت سخنوری آن بزرگوار به حساب می‌آیند.

۲. زمینه ایراد خطبه‌ها

مطابق آن چه در روایات متعدّد مربوط به این خطبه‌ها آمده است، جمعی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکانی انجمن کرده، به گفت‌وگوی علمی می‌پردازند. و بحث به جایگاه حروف در سخن گفتن می‌رسد و این که کدام حرف - و یا کدام دسته از حروف نقش بیشتری در کلام دارند، به گونه‌ای که نبود آنها سخن گفتن را مشکل و یا مختل می‌گرداند؟

اتفاق نظر شد بر این که «حرف الف» بیشترین نقش را در کلام دارد؛ همچنین سخن از جایگاه حروف منقوط به میان آمد.

امام علی علیه السلام بی درنگ بر می‌خیزد و بالبداهه نخست خطبه‌ای بلند و «بدون الف» ایراد می‌نماید، سپس خطبه‌ای بدون بهره‌گیری از حروف منقوط

ایراد می‌فرماید.

ارتجالی بودن خطبه‌ها از یکسو و فصاحت و بلاغت عجیب و شگفت‌انگیز آنها از سوی دیگر و مستند بودن تمامی مضامین آنها به قرآن کریم از سوی سوم، إعجاب همگان را برانگیخت و عجز و ناتوانی همگان را در هم‌آوردی آشکار ساخت؛ که چگونه امام علیه السلام به رغم محدودیتی که از التزام به حذف «الف» یا «حروف منقطه» برای حضرتش به وجود می‌آید، خطبه‌هایی سیراب از فنون فصاحت و مقتضیات بلاغت ایراد می‌نماید؟!

شیوایی و رسایی خطبه‌ها در کنار دوری آنها از تکلف چنان اعجاب برانگیز است، که اعماق جان‌ها را بی اختیار به فریاد می‌آورد و به سر دادن ترانه‌های عشق ولایی وامی‌دارد.

۳. بحثی کوتاه در مفهوم فصاحت و بلاغت

فصاحت و بلاغت به معنای شیوایی و رسایی سخن در عین روان بودن و انطباق آن با مقتضای حال است.

بنا بر این قوام فصاحت و بلاغت به الفاظ و ترکیب‌های لطیف و متین و استوار و مانوس و نیز به بهره‌مندی سخن از قالب‌ها و اسلوب‌های روشن و جذاب بیانی است، به گونه‌ای که این مجموعه به طور هماهنگ مطابق مقتضیات حال سخن باشد. پر واضح است که -علاوه بر نکات فوق که به فنون و قواعد علم «معانی» و «بیان» مربوط می‌شود- نقش آرایه‌های لفظی و معنوی، یعنی «وجوه محسنات بدیعیّه» نیز در شیوایی و شیرینی، جذابیت و دل‌ربایی سخن قابل انکار نیست. آن چه گفته شد مربوط به فصاحت و بلاغت

سخن است

اما سخنور فصیح و بلیغ، کسی است، که از قوه و قدرتی برخوردار باشد که بتواند معانی مقصودش را به گونه‌ای که مقام سخن اقتضا دارد، با عباراتی مشتمل بر صفات یادشده به سهولت ادا نماید. یعنی توانایی داشته باشد که مقصود را در مناسب‌ترین قالب و با بهترین شیوه بیان نماید.

البته فصاحت دارای مراتب است و مقام فصیحان در این عرصه با توجه به میزان توان و اقتدارشان ارزیابی می‌گردند.

سخنوری از فضل بلاغی برتری بهره‌مند است، که از قدرت و سرعت انتقال بیشتری در استخدام الفاظ و تراکیب و شیوه‌های و گونه‌های بیانی برخوردار باشد.

یعنی واژه‌ها و ترکیب‌ها و اسلوب‌های سخن به گونه‌ای در چنگ وی آماده باشند که در جای جای سخن بی‌درنگ بتواند در رساندن مقصود خویش از مناسبترین و رساترین آنها به شیواترین شیوه بهره گیرد.

و چنان چه محدودیتی برایش در به کارگیری از برخی حروف یا تعابیر و شیوه‌ها پدید آید (خواه به مقتضای صنعت حذف باشد و یا ترس و تقیه و مانند آن) بتواند از سایر عناصر بیان و مواد سخن بهترین استفاده را بنماید.

۴. نگاهی به جایگاه بلاغی خطبه‌ها

این جاست که «صناعت حذف» به عنوان یکی از بارزترین راه ارزیابی و سنجش سخن‌وران جایگاهش مشخص می‌گردد و به محل آزمونی در عرصه فصاحت و بلاغت تبدیل می‌شود.

«خطبه‌های»: «بی الف» و «بی نقطه»ی امیر مؤمنان علیه السلام در چنین میدانی تداعی‌گر دلاور آن چنان قوی و نیرومندی است که دستانش را با طناب می‌بندند و با چنین محدودیت و تنگنایی، در آوردگاه همه را به خاک افکند.

چه این که هنر امام علیه السلام تنها در این نیست که بالبداهه سخن گفته باشد و دیگران درمانده باشند، بلکه خطبه‌های مزبور چنان ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که دیگران دو شرایط عدم محدودیت نیز از نظیر آن عاجزند.

برای روشن‌تر شدن مطلب برخی از خصوصیات و برجستگی‌های بلاغی این دو خطبه را به اختصار برمی‌شماریم.

یک: ویژگی محتوایی: از نظر محتوا معارف بلند توحیدی و دیگر معانی لطیف معرفتی را در کنار مواظب اخلاقی در تکان‌دهنده‌ترین قوالب جمع نموده است.

دو: «اطناب» در شرایط محدودیت و «ایجاز» مناسب: به رغم محدودیتی که با حذف «الف»، یا «حروف منقطه» برای خطیب پیدا می‌گردد، از مناسب‌ترین نوع اطناب و ایجاز بهره می‌گیرد. چه این که در چنین شرایطی مخاطب ایجاز را علامت عجز سخنور از استخدام واژگان متخلف‌تر و بیشتر می‌شمارد و علاقه و شیفتگی زیادتری به «اطناب» نشان می‌دهد؛ امام علیه السلام چنین زمینه‌ای را غنیمت شمرده، به بیان معارف و مواظب فزون‌تر می‌پردازد. خصوصاً در خطبه «بی الف» که نخست ایراد گردید، مخاطب از نشاط بیشتری برای شنیدن برخوردار است، اطناب به مراتب فزون‌تر و مطالب مفصل‌تر است؛ و در خطبه دوم این نشاط به کاستی می‌گراید، از این رو به فراخور مقتضای حال، مباحث را با جامعیت و کلیت و ایجاز بیشتری بیان می‌دارد.

سه: سهولت و عذوبت الفاظ و ابداع در استخدام آرایه‌های ادبی: آشنایان با سبک سخن امام علیه السلام او را یگانه‌تاز عرصه استعارات و کنایات - با گونه‌های مختلف و متنوع‌شان - می‌دانند، ولی آن حضرت در این دو خطبه - برای دفع این توهم که خطیب قصور و کاستی الفاظ و تراکیب سهل را با مجازهای مزبور پوشش می‌دهد، نسبت به سایر خطب - کمتر از این گونه فنون بیانی استفاده می‌کند، بلکه بیشتر از الفاظ «سهل» و «عذب» بهره می‌گیرد؛ و در عین حال جلالت و شیوایی بیان و جذابیت سخن را با مایه‌های فنون بدیع و گونه‌های پرتنوع آرایه‌های لفظی و معنوی و نظایر آن تأمین می‌کند. و این خود نوعی قدرت نمایی در مقام سخنوری است.^۱

بعلاوه، رعایت «انتلاف الفاظ با هم» و «انتلاف الفاظ با معانی» و رعایت «انسجام» در به کارگیری سهولت الفاظ و معانی و گزینش الفاظ جزل - زیبا و با صلابت - در ازای معانی شدید و ضخیم و الفاظ نرم و ملیح در ازای معانی رقیق زیبایی سخن را اعجاب‌انگیزتر می‌نماید.

به کارگیری این «سلاست بیان» و «انسجام» و «انتلاف» و «اطناب مناسب» - در شرایط محدودیت آفرین حذف حرف «الف» - حاکی از آن است، که الفاظ و معانی چنان در ذهن سخنور حاضر و مهیاست، که در هر عرصه و در ادای هر مطلبی، استوارترین و گزیده‌ترین معانی را با زیباترین الفاظ و در نیکوترین قالب‌ها و تراکیب، در هم می‌تند و به صید دلها و اندیشه‌های شایسته می‌پردازد.

۱. نظیر «لزوم ما لا یلزم» که خطیب یا شاعر با التزامی فراتر از آن چه که سجع و یاقافیه برعهده‌اش می‌نهد، به تزئین فواصل یا قوافی می‌پردازد.

چهار: در مهم‌ترین مقطع از خطبه «بی الف» - یعنی از فراز هیجده تاسی و پنج - از صناعت تجرید و تجسیم بهره می‌گیرد، بدین معنا که از مخاطبان خود یک شخصیت مثالی انتزاع و تجرید می‌کند، سپس یکایک حالاتی را که برای افراد در مراحل مرگ و پس از آن پیدا می‌شود، بر او تطبیق می‌نماید و در مقابل چشم مخاطب مجسم می‌سازد. و پر واضح است که چنین تصویر و تجسیم هنرمندانه‌ای تخیل محض نیست. بلکه حالات مختلفی از واقعیت‌های جاری در زندگی بسیاری از انسان‌ها در گذرگاه دنیا و سرایبرزخ و آخرت است، که بر این شخصیت مثالی تطبیق می‌گردد.

در هر صورت چنین شیوه‌ی بیانی با ملاحظه مفاد و محتوایش از شیواترین و رساترین صناعت‌های بیانی و از تکان دهنده‌ترین قالب‌های موعظت و اندرز محسوب می‌شود.

زیرا پس از آن که مخاطب را در قالب یک شخصیت مثالی و مسافر راهی سفر آخرت مجسم می‌سازد، به تصویر لحظه به لحظه مراحل سفر آخرتی‌اش می‌پردازد.

نخست به مدت باقی مانده عمر توجه می‌دهد و توصیه به غنیمت شمردن فرصت‌ها می‌فرماید، سپس صحنه‌های بیماری و احتضار او را و نیز احوال وی در مرحله مرگ و ورود به قبر را در نظرش مجسم می‌نماید و پس از آن فرسایش و فروپاشی جسدش در قبر و همچنین زندگی در سرایبرزخ را تصویر می‌کند و بالاخره رستاخیز بزرگ و مواقف هولناک قیامت و ورود به جهنم یا بهشت را در مقابل دیدگانش نمایش می‌دهد.

این مجموعه چنان ذهن و دل مخاطب را در تسخیر کلام خطیب

می‌گیرد، که او را بر بال اندیشه و تفکراتش نشانیده، در عوالم یاد شده سیر می‌دهد و تصویری صحیح و حکیمانه از گذرگاه دنیا و سرای برزخ و قرارگاه آخرت به وی می‌بخشد.

این ویژگی‌های و صدها برجستگی ناگفته دیگر است که «ابن ابی الحدید» معتزلی مذهب را وامی‌دارد، تا به خاطر نقل و روایت خطبه «بی الف» بر همگان خود فخر فروشد و احساس مباهات نماید.

او در آغاز خطبه مزبور می‌گوید: و من اینک از گفتار شگفت انگیز آن حضرت چیزی را که «هیچ یک از» «ابو عبید» و «ابن قتیبه» در کلام خود نیاوردند، نقل کرده، شرح می‌نمایم و آن خطبه‌ای است «بدون الف» که بسیاری از مردم آن را از حضرتش روایت نمودند^۱.

شایان توجه است که اگر نقل این کلمات مستحق چنین مباهاتی است، بی‌شک تدبیر و تأمل در آنها - به عنوان مقدمه علم و عمل به تعالیم بلند و مواظبت تکان دهنده‌اش - و نیز پیروی از مکتب آن امام همام ع سزاوارتر به افتخار و مباهات است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ»^۲.

۵. شیوه ما

۱. متن عبارت او بدین گونه است: «وَأَنَا الْآنَ أَذْكَرُ مِنْ كَلَامِهِ الْغَرِيبِ مَا لَمْ يَوْرَدْهُ أَبُو عُبَيْدٍ وَابْنُ قَتِيبَةَ فِي كَلَامِهِمَا وَأُشْرَحُهُ أَيْضًا، وَهِيَ خُطْبَةٌ رَوَاهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَالِيَةً مِنْ حُرُوفِ الْآلِفِ...»: شرح نهج البلاغة: ۱۹/ ۱۴۰.

۲. الأعراف: ۴۳.

سیاست کلی در کار تحقیق و تنظیم عبارت‌اند از: ارائه هر چه بهتر خطبه‌ها، رعایت ایجاز، تبیین محتوای خطبه‌ها، برطرف کردن ابهامات و حفظ نشاط و برآوردن نیاز مخاطبان متنوع و ناهم سطح.

برای تأمین اهداف کلی مزبور، شیوه ما در:

متن: تخریج متن خطبه: «بی الف» از کتاب «مصباح کفعمی» - از کتاب‌های مورد اعتماد شیعه - و خطبه «بی نقطه» از کتاب «نهج السعادة» تألیف آقای محمودی؛ با ذکر سایر مصادر دو خطبه؛ ب - اعراب گذاری دقیق.

ترجمه: به سبک روان و معتمد به لفظ. زیرا این سبک هم رها از برخی عوارض و نارسایی‌های انکارناپذیر ترجمه آزاد - در انتقال متون کتاب و سنت - است و هم عوارض و اغلاط و ناستواری «ترجمه تحت اللفظ» دامن گیرش نمی‌گردد؛ بعلاوه کسانی که آشنایی کمی با عربی داشته باشند با مطالعه ترجمه به این سبک، چنان به مفاد کلام نزدیک می‌گردند، که دیگری نیاز از مراجعه به ترجمه خواهند بود؛ از این روش مزبور را می‌توان مناسب‌ترین سبک در ترجمه متون مقدس و آموزشی دانست.

شرح: در این بخش پس از آوردن هر فراز از خطبه و ترجمه آن شرح امور ذیل مورد توجه قرار می‌گیرد: ا - واژگان، ب - رفع ابهام از ترکیب‌ها، ج - بیان مفاد پیچیده و نیازمند به تبیین، د - توضیح مطالب سؤال‌انگیز و پاسخ‌گویی به شبهات، ه - اشاره و یا تبیین نکات و لطایف بلاغی و کلامی و ...

برای رعایت حال خوانندگان متنوع و ناهم سطح، مطالب مربوط به شرح به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. مباحث عمومی تر که متن کتاب بدان اختصاص یافت، ۲. مطالب تخصصی‌تر که در پاورقی‌ها مورد بحث قرار گرفت.

توضیح: در متن کتاب سعی شد تنها به بیان نتایج تحقیق در زمینه‌های گوناگون ادبی، کلامی و نظایر اینها پرداخته شود. و مباحث تحقیقی از قبیل بیانات نحوی و ریشه‌یابی‌های صرفی و لغوی و تدقیق‌های مربوط به فقه اللغة، یادآوری لطایف بلاغی و احیاناً تطبیق‌ها و تحقیقات مربوط به علوم بلاغت و سایر اموری که بیشتر مخاطب خاص می‌طلبند، در پاورقی آورده شود.

از این روزپی نوشت کتاب خود شرحی گسترده‌تر و عمیق‌تر بها ایجازی بیش‌تر از متن آن است.

از خداوند متعال مسألت دارم توفیق هر چه بیشتر دریافت این معارف و مواعظ بلیغ علوی و عمل هر چه خالصانه‌تر به آن را به همه ما عطا فرماید و این کوشش ناچیز را نافع و مفید گرداند و ذخیره آخرتم نماید و از فضل و رحمت خویش و از عنایت و شفاعت اولیایش ما را بهره‌مند فرماید.

«رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَتِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

: محمّد احسانی فر لنگرودی

ق/م/۱۳۸۱/۷/۶